



شماره ۱۶۴ دوره هشتم  
سال چهارم سه شنبه ۲۰/۴/۱۳۶۶  
بها ۲۰ ریال

# زندانیان سیاسی دوباره اعتصاب غذا کرده اند

از تهران خبر می رسد که از روز شنبه ۲۴ تیرماه زندانیان سیاسی در اعتراض به شرایط بسیار بد و دشوار زندان مجدداً متوسل به اعتصاب غذا شده اند.  
اکثریت مطلق زندانیان سیاسی ایران تنها بخاطر طرفداری از آزادی و عدالت اجتماعی و دگر اندیشی به سیاه چال های رژیم جمهوری اسلامی افتاده اند.  
ما ضمن کوشش برای کسب خبرهای تازه تر از همه رفقا و دیگر نیروهای مترقی می طلبیم با تمام نیرو مہبستگی ملی و بین المللی با زندانیان سیاسی در حال اعتصاب غذا را سازمان دهند.

# کارگران و زحمتکشان، کمیته های ضد جنگ تشکیل دهید!

در گذرگاه خونین جنگ بیهوده و بی معنی، ایران ویران و گورستانهای کشور پر از کشتگان جنگ می شود. رژیم دیوانه و ارباب طبل جنگ می گوید و هستی کشور را به کام آن می ریزد. مردم که ضرورت پایان دادن به جنگ را هر روز بیشتر احساس می کنند از نتایج ویرانگر آن سخن می گویند و از خود می پرسند چگونه می توان به جنگ پایان داد. پایان جنگ اساساً به پیکار مداوم، سازمان یافته و فراگیر توده ها و بویژه کارگران و زحمتکشان بستگی دارد. از این رو ما کارگران و زحمتکشان میهن را به برپائی کمیته های مخفی ضد جنگ فرا می خوانیم.

این کمیته ها که استخوان بندی آنها از کارگران و زحمتکشان تشکیل می شود، وظیفه دارند که تمام مبارزان ضد جنگ، صلح دوستان، جوانان، سربازان فراری، آوارگان جنگ، زنان و مادران داغ دیده را برای مبارزه علیه جنگ بسیج کنند.

اینک برخی از مهمترین وظایف کمیته های ضد جنگ:

الف - تبلیغ علیه جنگ: رژیم از تمام امکانات موجود برای تبلیغ ادامه جنگ و کسب فرزندان زحمتکشان به جبهه های بی بازگشت استفاده می کند. منبرهای مساجد، خطبه های نماز جمعه، رادیو و تلویزیون، مطبوعات و سخنرانی ها همه در خدمت فریب مردم، تبلیغ و تقدیس جنگ و وظیفه شرعی و الهی خواندن آنست. کمیته های ضد جنگ وظیفه دارند که تبلیغات جنگ طلبانه رژیم را خنثی سازند و به اشکال گوناگون توده ها را به مبارزه علیه جنگ تشویق و ترغیب کنند. کمیته های ضد جنگ در تبلیغات خود باید بگویند:

۱ - با روحیه بی شرم خواندن مبارزه علیه جنگ و یا خوار شدن آن، با روحیه تسلیم رضا و دست کشیدن از مبارزه، با اندیشه های صوفیانه و ترک دنیا که ذهن و روح را از ظرفیت انقلابی تهی می سازد، بشدت مبارزه کنند.

۲ - با "شهادت طلبی" در جبهه های جنگ و بی قدر شدن زندگی که رژیم بویژه در میان دانش آموزان و جوانان تبلیغ می کند، مبارزه کنند.

۳ - مردم را به تحریم جبهه های جنگ فرا

از کارخانه ها و زندگی و رزم کارگران

در ص ۴

# جعبه جادو

از سالها قبل از انقلاب خمینی و یارانش پیوسته درباره "اینکه گویا" "فقه سنتی" برای همه مسائل جهان در همه قرون و اعصار پاسخ هائی از پیش آماده شده دارد، داد سخن می دادند. آنان بر آورده شدن همه خواستهای توده انقلابی، از جمله آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را در گرو حاکمیت روحانیت و اجرای قوانین فقهی شان و انمود می کردند و می کوشیدند تا بقبولانند که در این "جعبه جادو" برای هر قلمتی قبایی و برای هر مشکلی راه حل آماده ای وجود دارد. اگر توده های زحمتکش، عدالت می خواهند و یا باید شر استعمارگران را از سرشان کم کرد، کافیس متولیان این "جعبه جادو" دست در آن کنند و راه حل را بیرون کنند و یا اگر محرومان جامعه بدنبال آزادی می گردند باز همین "جعبه جادو" راه گشاست.

هنوز سالها قبل از انقلاب بود که خمینی می نوشت: "... حقوق اسلام یک حقوق مترقی و متکامل است ... هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلامی تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد" ("ولایت فقیه" چاپ جدید!) (صفحه ۱۱ - ۱۰) و یا یکسال قبل از انقلاب می گفت: "... اسلام هم عدالتخواه و عدالت پرور است و هم تعدیل طبقات می کند. احکام بقیه در ص ۷

# بپاخیزید جوانان!

"نامه مردم" امروز با دختران و پسران جوان و یابا به بیان دقیقتر با آینده سازان کشور سخن می گوید. مشکلاتی که جوانان کشور، سازندگان و اداره کنندگان فردای میهن ما با آنها روبرو هستند عظیم و بغرنج است. سیاست رژیم ضد خلقی در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی علیه جوانان کشور است. ادامه جنگ ویرانگر تا کتون بیش از یک میلیون کشته و معلول بجای گذارده است. اکثر آنان جوانان و نوجوانان هستند. اصرار در ادامه جنگ و تأمین هزینه کمرشکن آن که منجر به بسته شدن تعداد زیادی از کارخانه ها و دیگر مراکز کار و تولید شده، میلیونها جوان را با بیکاری و فقر روبرو ساخته است.

در جمهوری اسلامی علم و اندیشه در بهترین حالت باید راه خود را از لاپهای سرنیزه و بربریت و شکنجه و اعدام باز کند. کوشش برای درک حقیقت در نظام "ولایت فقیه" جرم نابخشودنی است و سزای مبارزه در راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی زندان و اعدام است. مدارس و دانشگاههای ما غرق در منجلاب خرافات و تابع روحانیون مرتجع و نادانی هستند که خود را "عالم" و دیگران را "جاهل" می شمارند.

بقیه در ص ۲

# پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران

پر خورداری از ابتدائی ترین حقوق انسانی و قانونی خود پسری پرند. تاکنون بیش از ده هزار نفر اعدام و یا زیر شکنجه کشته شده اند. شرایط دشوار و غیر قابل تحمل برای زندانیان و فشارهای جسمی و روانی بر آنان روز بروز شدید تر می شود.

ما امضاء کنندگان اعمال ترور و شکنجه و نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی نسبت به میهن بقیه در ص ۸

احزاب کمونیستی و کارگری آسیا و حوضه اقیانوس آرام بپدادگری های رژیم خمینی را محکوم کردند و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی شدند.

ده ها هزار نفر از اعضا و مواداران حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران و دیگر سازمان های مترقی و دمکراتیک ایران سال هاست که در زندان های جمهوری اسلامی ایران تحت شکنجه های قرون وسطائی و بدون

# پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## آینده سازان در خطرند

عالی دفاع" و یا از نظر پزشکی مشمول "خدمت غیر رزمی" می‌شوند بایستی شش ماه بیشتر از دیگران خدمت کنند.

برای نجات هستی آینده سازان کشور باید بردامنه مبارزه سازمان یافته در راه صلح افزود. باید با توجه به شرایط زمان و مکان ابتکار عمل را در دست گرفت و به بسیج زحمتکشان علیه سیاست ادامه جنگ پرداخت. باید آن نوجوانان و جوانان را که فریب تبلیغات رژیم را می‌خورند و یا برای برخورداری از "مزایای" رقتن به چپه و رفع نیازهای مادی خود راهی قربانگاه می‌شوند، با عواقب جنگ مردم خوار و هستی پرانداز آشنا ساخت و مانع نابودی آنها شد. باید سربازان و مشمولان فراری و غایب را پناه داد و مردم را تشویق کرد که از آنها حمایت کنند. واقعیت‌های عینی نشان می‌دهد که مردم کشورما مخالف ادامه جنگ هستند و حاضر نیستند که چکرگوشگانشان را فدای سیاست توسعه طلبانه رژیم ضد خلقی ج.ا. کنند، به همین دلیل رژیم برای تامین نیرو به خشونت متوسل شده است. باید از این شرایط برای پایان دادن به جنگ به بهترین وجهی بهره گرفت.

### تصحیح و پوزش

در شماره ۱۶۲ در صفحه ۷ سطور انتهائی مقاله "کارگران و جنگ" در صفحه بندی نهائی حذف شده است. این سطور ضمن پوزش از خوانندگان ارجمند در زیر می‌آید:

...  
تامین اجتماعی محروم هستند و هنوز قوانین ارتجاعی شاه بر گرده‌های کارگران سنگینی می‌کند.

در پایان باید خاطر نشان ساخت آنچه از رهگذر ادامه جنگ بر طبقه کارگر ایران می‌رود، به هیچ وجه در این مطلب کوتاه قابل بیان نیست. طبقه کارگر ایران در هر روز ادامه این جنگ خانمانسوز سهمی جز مرگ و نیستی و درد و رنج، و برای پیشبرد امر مبارزه طبقاتی خود و ایجاد گروگونی بنیادی در زندگی سرشار از محرومیت خود راهی جز تشدید مبارزه علیه سیاست رژیم بویژه در زمینه ادامه جنگ ندارد.

### جاوید باد خاطره تابناک

#### شهیدان راه

#### آزادی، استقلال

#### عدالت اجتماعی و صلح!

سپاه پاسداران، کمیته‌ها، ژاندارمری و دیگر ارگانهای سرکوبگر پرتلاش خود برای شکار جوانان و نوجوانان و تامین گوشت دم توپ پشدت افزوده‌اند. این ارگانها، هر روز اعلامیه‌های تهدید آمیزی منتشر می‌سازند و از "مشمولان فراری و غایب" می‌طلبند که خود را معرفی کنند، در غیر این صورت مجازات‌های سختی برای آنها در نظر گرفته می‌شود. گشتهای مختلف در تهران و کلیه مناطق کشور دژها در جستجوی شکارند. هجوم به کارخانه‌ها، کارگاهها و دیگر مراکز کار برای دستگیری جوانان زحمتکشی که ای پسا متکفل تامین معاش خانواده‌ای هستند، ابعاد بی‌سابقه‌ای یافته است. به چشم و گوشهای رژیم ماموریت داده شده که "برای اجرای عدالت (!) و رفع تبعیض (!!)" مشمولان غایب و فراری و نیز کارفرمایانی را که اقدام به پکارگیری اینگونه افراد می‌کنند، شناسایی و از طریق تلفن، نامه و یا مراجعه حضوری به ستاد مرکز سپاه و یا نواحی پایگاههای سپاه در سراسر کشور معرفی کنند. نظام وظیفه عمومی اعلام کرده است که سربازان باید یک سال از مدت خدمت خود را بالاچهار" در منطقه عملیاتی" بگذرانند و کسانی که از طرف "شورای

و بشردوستانه باشند؟ چه کسانی جز جوانان می‌توانند به موتور تحرک توده‌های میلیونی تبدیل گردند؟

آینده از آن شما جوانان است. فردای سعادت‌مند را باید امروز بنیان گذارد. این نیز فقط با سرنگون کردن رژیم ج.ا. ارتباط دارد. افعال و دوری جستن از کارهای سیاسی یعنی خیانت به خود و همنوعان خویش. تجربه تاریخ مبارزه پنج‌ساله اخیر نشانگر آن است که جوانان ما همیشه در صف نخست مبارزه علیه ارتجاع و عمال امپریالیسم بوده‌اند. ما تردیدی نداریم که جوانان ایران این بار نیز پیشگام مبارزه خواهند شد.

حزب توده ایران به نبرد خونین و سرسخت با رژیم ضد خلقی ادامه می‌دهد. جوانان میهن دوست توده‌ای در صف مقدم این مبارزه قرار دارند. ما از همه جوانان مبارز دعوت می‌کنیم تا دوشادوش برادران توده‌ای خود علیه رژیم استبداد قرون وسطائی بیکار کنند. این دعوت بهیچ وجه به معنی پذیرش جهان بینی ما نیست، گر چه حزب توده ایران از جوانان مبارز و انقلابی که بخواهند به صفوف حزب بپیوندند با آغوش باز استقبال خواهد کرد. ما از جوانان دعوت می‌کنیم با ایجاد هسته‌های مخفی، از هر طریقی که خود می‌دانند، به مبارزه سیاسی بپیگیر علیه رژیم ادامه دهند. هدف، مبارزه متشکل است. گام نخست افشاکاری سیاسی برای جلب هر چه بیشتر توده‌ها به مبارزه سیاسی است. شعار آزادی، صلح، نان، کار می‌تواند بسیج گر میلیونها انسان برای مبارزه علیه رژیم ضد خلقی باشد. باید با شجاعت و قداکاری - که از خصوصیات جوانان ماست - گام در عرصه نبرد فعال گذاشت و اطمینان داشت که پیروزی از آن ماست.

## بپایخیزید...

آنچه در میهن ما می‌گذرد بی‌اختیار دوران تفتیش عقاید (انکیزیسون) را در خاطر ما زنده می‌کند. دستگاه جهانی تفتیش عقاید رژیم مجهز به انواع وسائل شکنجه حد و مرزی برای قربانی گرفتن از جوانان آزاداندیش نمی‌شناسد. بنام "اسلام فقهائی" بهر جنابیتی دست می‌زنند. "اعتراف" گرفتن با توسل به شکنجه‌های فاشیستی "حکم شرعی" اعلام می‌شود. در بیدادگاههای شرع هزاران دوشیزه و پسر جوان بنام "اسلام فقهائی" محکوم و به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. این نهادهای ضد بشری چنان در بیدادگری گستاخ شده‌اند که شرافت و شخصیت انسانها را تحقیر می‌کنند. دهها هزار جوان و پیر، زن و مرد به اتهام "الحاد" و "التقاط" و در واقع به جرم آزاداندیشی در فراموشخانه‌های رژیم با مرگ دست بگریبانند. صدها هزار جوان برای نجات از این دوزخ هولناک، مجبور به ترک وطن شده‌اند.

ثوابهای مادی و معنوی در جامعه مطرود است و ارزشهای اخلاقی لگدمال می‌شود. حکام و افسرکرا و چاهل ج.ا. کشور را به رکود و سکون کشانده‌اند و تمدن و فرهنگ ایرانی را تهدید می‌کنند. نظام "ولایت فقیه" با گسترش خرافات می‌کوشد تا جوانان را از روشن بینی و واقع گرایی بازدارد.

به این جمله تبلیغاتی که در سراسر تهران پخش شده توجه کنید: "دعا، سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمانها و زمین است... علاج دردها و رفع کلیه گرفتاریهای شماست".

جوانان که زاده دورانی دژها در حال تغییر و تحرک هستند، نمی‌توانند و نباید با اینگونه چهل و خرافات سرآشتی داشته باشند. سران رژیم ضد خلقی از همه امکانات بهره می‌گیرند تا جوانان، بویژه نوجوانان را از تکامل و پیشرفت بازدارند و این جز غوطه‌ور شدن در فساد و تباهی معنائی نداشته و ندارد. باید در مقابل اشاعه کهنه‌پرستی و تبلیغ افکار قرون وسطائی که مانع رشد شخصیت انسانی است مقابله کرد.

جوانان که نقش تعیین کننده‌ای در پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ داشتند بدرستی می‌پرسند: چرا خواستهای آنها در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی تحقق نیافت؟ بچه علت مدافعان آزادی بیان و قلم و اجتماعات روانه زندانها می‌شوند؟ چرا مخالفت با جنگ هستی پرانداز مخالفت با "اسلام" قلمداد می‌شود؟

تشدید اختلاف طبقاتی، یعنی تجمع ثروت در دست عده‌ای قلیل و محرومیت‌های مادی و معنوی اکثریت مطلق، کاهش مستمر قدرت خرید مردم، افزایش شمار بیکاران و... بسیاری از خانواده‌ها بویژه خانواده‌های جوان را از هم می‌پاشد، بیماری‌های جسمی و روانی را شایع کرده و به انحرافهای اجتماعی در سطحی گسترده دامن می‌زند.

علیه این بیماری مزمن باید مبارزه کرد. اما، بیماری را زمانی می‌توان علاج بخشید که میکرب زائیده آن را نابود کرد. نظام "ولایت فقیه" میکرب بیماری کشنده "جامعه ماست" این حقیقت را باید به میان مردم برد. چه کسانی جز جوانان پرشور و مبارز می‌توانند حامل این اندیشه انسانی

## کارگران و زحمتکشان \* \* \*

خوانند. در آغاز جنگ که میهن ما مورد تجاوز قرار گرفته بود، زحمتکشان و فرزندان آنها، اغلب داوطلبانه در جنگ شرکت می کردند. لیکن پس از آزاد سازی خرمشهر و بیرون راندن متجاوز از کشور، جنگ دیگر برای دفاع از میهن نیست بلکه برای صدور "اسلام فقهاتی" است. اکنون باید این واقعیت را باز گفت که در شرایط کنونی، جنگ خصومت عادلانه ندارد و رفتن به جبهه ها عین شجاعت و مبارزه انقلابی و یکی از وسایل مؤثر برای خاتمه دادن به جنگ است.

۴ - افشای تبلیغات دروغین رژیم در کسب "پیروزی های نظامی" برشردن خسارتهای مالی و جانی جنگ، پخش گسترده اخبار مربوط به جنایتهایی که رژیم در جبهه ها مرتکب می شود، تبلیغ صلح و دوستی میان خلفها و نیز ترویج هنر و ادبیات ضد جنگ از جمله وظایف کمیته های ضد جنگ است.

تبلیغ علیه جنگ را باید با دوشیوه شغلی و کتبی به محل کار و زندگی زحمتکشان برد و همزمان به ارائه رهنمودهای عملی برای پایان دادن به جنگ و حل مسائل مورد مناقشه از طریق مذاکره پرداخت.

ب - کم کاری، اعتصاب در صنایع مورد نیاز جبهه ها:

یکی از پدیده های بارز زمان جنگ گسترش تولید در صنایع نظامی و تعطیل واحدهای دیگر است. در حال حاضر که کارخانه های کشور یکی پس از دیگری بسته می شود و گروه گروه از کارگران اخراج می شوند، در صنایع نظامی تولید روزانه حتی از میزان رسی فرونی گرفته است. بنابراین اگر در واحدهای دیگر امنیت شغلی و مخالفت با اخراج ها به شمار روز کارگران تبدیل شده، در واحدهای مورد نیاز جبهه ها وضع به گونه ای دیگر است. بررسی خواسته های کارکنان این واحدها موید این مدعا است. بر این اساس کمیته های ضد جنگ وظیفه دارند که بر این اساس کارکنان این واحدها را به کم کاری و اعتصاب فرا خوانند. مهمترین صنایعی که در خدمت جنگ قرار دارند عبارتند از صنعت نفت، صنایع نظامی، کارخانه هایی که خط تولیدشان به تولید نظامی تبدیل شده است و به ساختن نارنجک، خمپاره، پیل های شناور و سلاح و مهمات دیگر نیازهای جبهه ها مشغولند و نیز واحدهایی که در ارتباط غیر مستقیم قرار دارند، مانند گمرک، راه آهن و غیره.

کمیته های ضد جنگ باید در این واحدها با رعایت کامل مخفی کاری تشکیل شوند. اختلاف منافع صنفی نباید مانع شرکت مبارزان ضد جنگ در این کمیته ها شود. در صنعت نفت که از جمله سوخت تانکها و خودروها و هواپیماها را تأمین می کنند باید کم کاری را تشویق کرد. کمیته های ضد جنگ باید واحدهایی مانند اسکله های نفتی، بهره برداری، پالایش، خطوط لوله و مخازن و قسمت پخش را به کم کاری، کار شکنی و اعتصاب فراخوانند. برای برپائی اعتصاب باید از تجربه های انقلاب بهمین سود جست و بمنظور کسب بیشترین متحد و با تلفیق

## حزب ما هستیم

کیست حزب؟

آیا حزب در اتاقی با تلفن نشسته است؟

با اندیشه های رازناک و تصمیم های نا آشنا؟

کیست حزب؟

ما هستیم حزب

تو و من و ما - ما همه

حزب در جامه پوست رفیق، در سرت می اندیشد

آنجا که من زندگی می کنم خانه اوست

و آنجا که پتو هجوم آورده اند

حزب آنجا می چنگد.

به ما نشان می دهی راهی را که باید پییمائیم

و ما آنرا خواهیم پییمود پسان تو،

اما بدون ما در راه درست گام مگذار!

بدون ما درست ترین راه اشتباه است.

خود را از ما جدا مساز!

ما می توانیم اشتباه کنیم، و تومی توانی حق داشته باشی

اما باز هم خود را از ما جدا مساز!

هیچکس انکار نمی کند که راه کوتاه بهتر از راه دراز است.

اما وقتی آن را کسی دانست

و نتوانست به ما بنمایاند،

چه سود از درایتش؟

نزد ما باش ای هشیوار!

خود را از ما جدا مساز!

برتولت برشت

شکل های پوشیده تری صورت می گیرد. مثلاً سرمایه داری با پرداخت مبلغی به سود جنگ چندین برابر آن مبلغ را از زحمتکشان می ستاند. باید این شیوه های مخفی کمک به جنگ را نیز افشا کرد و زحمتکشان را به مبارزه علیه آنها فراخواند.

۵ - مخالفت با نظامی شدن تولید کارخانه ها؛ تا کنون کارخانه های بسیاری با اخراج گروهی از کارکنان خود و تغییر خط تولید به خدمت جنگ در آمده اند. از آن جمله اند کارخانه های ایران خودرو، ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز، پارس، ارج، پارس خودرو، میلبران، بلبرینگ سازی تبریز، زمینس. این کارخانه ها عمدتاً به ساختن خمپاره، قالب خمپاره و پیل شناور می پردازند. باید با کمک کارگران اخراجی این واحدها با روند نظامی شدن تولید کارخانه ها به مبارزه پرداخت.

و - یاری رساندن به مبارزان ضد جنگ؛ یاری رساندن به جوانانی که از رفتن به جبهه ها سرباز می زنند، پناه دادن به سربازان فراری، کمک مالی به خانواده \* کارگرانی که در اثر مخالفت با جنگ اخراج شده اند و کمکهائی از این دست از دیگر وظایف کمیته های ضد جنگ است.

اعضا و هواداران حزب توده \* ایران وظیفه دارند زحمتکشان را به لزوم برپائی کمیته های ضد جنگ فراخوانند و خود در راه تشکیل و تقویت این کمیته ها از هیچ کوششی دریغ نورزند.

طریقی از خواسته های اقتصادی و سیاسی مانند افزایش دستمزد، ایجاد تشکلهای صنفی، وام مسکن و امنیت جانی به هنگام بیماریان زحمتکشان را به میدان مبارزه کشاند.

۶ - مخالفت با اعزام به جبهه ها؛ عدم استقبال زحمتکشان از رفتن به جبهه ها، رژیم را مجبور به تعیین سهمیه برای هر یک از کارخانه ها و ادارات و دوایر دولتی کرده است. اما این نیز با مخالفت زحمتکشان روبرو شده و کار به فرعه کشی کشیده است. باید با این هیله و ترغیب رژیم مقابله کرد و از رفتن به جبهه ها پشتد خودداری ورزید. کمیته های ضد جنگ می توانند با مخالفت سازمان یافته علیه اعزام به جبهه ها، با توضیح وضع دردناک خانواده های آنان آورشان در جنگ کشته شده اند، آن تعداد از کارگرانی که در اثر فشار مالی و بیکاری مجبور به رفتن به جبهه های جنگ می شوند را از تصمیم منصرف و از رفتن بازدارند.

۷ - مخالفت با کسر دستمزد و کمک های نقدی و جنسی به سود جنگ؛ این شیوه یکی از اشکال رایج مبارزه \* زحمتکشان علیه جنگ است که کمیته های ضد جنگ باید آنرا سازمان دهند و بر گستردگی و اعتلا آن ببقزایند. کمک های نقدی گاهی به

طیقه کارگر متحد همه چیز، طیقه کارگر متفرق هیچ چیز

## اعتصاب در "استارلایت" به پیروزی رسید

بر سر دریافت حق بهره‌وری، که مدیریت بعنوان "کمک به چپه" از پرداخت آن سر باز می‌زد، در کارخانه "چوراب آسیا" (استارلایت) تهران اعتصاب شد. علیرغم تلاش‌های مدیریت و مداخله شخص هادی غفاری، کارگران از خواست خود صرف‌نظر نکردند و توانستند عوامل رژیم در کارخانه را به عقب‌پنشانند.

در هفته پایانی سال ۱۳۶۵ کارگران "استارلایت" - ۱۲۰۰ نفر زن و مرد - متوجه شدند که مدیریت زیر قول خود زده و قصد دارد که "حق بهره‌وری تولید" را نپردازد. خبر به سرعت در قسمت‌های مختلف کارخانه، که توسط "بنیاد مستضعفان"، "بنیاد شهید" و "بنیاد الهادی" به سرپرستی هادی غفاری اداره می‌شود، پیچید و دیرینه نگذشت که کارگران دست از کار کشیدند و اعلام کردند که تا روشن شدن وضع کارخانه کار نخواهند کرد. مدیریت که از حرکت جمعی کارگران پشندت وحشت زده شده بود برای کارگران توضیح داد که قرار است امسال حق بهره‌وری را به چپه کمک کنیم. وی از کارگران خواهش کرد که به سرکار خود بازگردند. اما اعتراض‌های شدید کارگران، پویزه زنان، مدیریت را در برابر این واقعیت قرارداد که نمی‌تواند از پس کارگران بر بیاید، بهمین دلیل دست پدیمان هادی غفاری، چماقدار معروف رژیم شد. چند ساعت پس از اعتصاب هادی غفاری با اتوموبیل ضد گلوله و محافظان مسلح وارد کارخانه شد. کارگران و پویزه زنان کارگر راه را بر او بستند و باران پرش و سرزنش بر سرش باریدن گرفت. محافظان مسلح با تلاش و تهدید زیاد توانستند وی را از چنگ کارگران خشمگین نجات دهند و به دفتر مدیر کارخانه هدایت کنند. پس از چند ساعت گفتگو در پشت درهای بسته، سرانجام هادی غفاری در مقابل کارگران اعتصابی ظاهر شده اعلام کرد که چون این واحد در سال ۶۵ سوددهی نداشته در نتیجه قادر نیست به شما حق بهره‌وری تولید بپردازد. کارگران که می‌دانستند کارخانه در سال ۶۵ بیش از ۹۰ میلیون تومان سود خالص داشته است و حتی بین نایندگان "بنیاد مستضعفان" و "بنیاد شهید" و "بنیاد الهادی" هر سر تقسیم سود درگیری وجود دارد، پافریاد اعتراض آمیز حرف هادی غفاری را قطع کردند. او که اوضاع را نامساعد می‌دید به "حاتم پخشی" دست زد و گفت برای رفع مشکل شما کارگران من قول می‌دهم که یک میلیون تومان بپردازم که بعنوان حق بهره‌وری به شما داده شود. کارگران که در بین خود زمزمه می‌کردند که این آقای یک میلیون تومان را از کجا آورده، در پاسخ به وی گفتند: ما گدا نیستیم که صدقه قبول کنیم، کار کرده‌ایم و حقمان را می‌خواهیم. هادی غفاری که قافییه را پاخته بود صحنه را ترک کرد و رفت.

سرانجام مدیریت تسلیم شد و اعلام کرد چون الان کارخانه موجودی چندانی ندارد لذا پابت حق بهره‌وری تولید مبلغی بعنوان علی الحساب می‌پردازیم و در آغاز سال جدید مابقی آن پرداخت خواهد شد. کارگران که احساس پیروزی می‌کردند به سرکار خود بازگشتند. مبلغ پرداختی برای هر کارگر از ۳۰۰ تا ۱۶۰۰ تومان بود.

در ادامه این حرکت موفق کارگران "استارلایت" اعتراض خود را علیه کسر کردن یک روز از حقوقشان برای چپه علنی ساختند و تصمیم گرفتند که پول خود را پس بگیرند. در این حرکت اعتراض آمیز حتی تعدادی از اعضاء انجمن اسلامی نیز شرکت داشتند و این مسئله خشم مدیریت را دوچندان کرد. فردای آن روز از سوی مدیریت اعلامیه‌ای در تابلو اعلانات کارخانه نصب شد، بدین مضمون که ما اجازه نمی‌دهیم تا "ایادی شرق و غرب" کارخانجات را به اغتشاش بکشند. بهمین منظور چهار نفر از عوامل محرکه اغتشاش در کارخانه را اخراج می‌کنیم و برای بقیه نیز بزودی تصمیم گرفته خواهد شد. این عمل نفرت انگیز و ضد کارگری اعتراض‌های شدیدتر کارگران را برانگیخت و کشمکش میان آنان و مدیریت ادامه یافت.

پس از پایان تعطیلات نوروزی بر اثر اعتراض‌های مداوم کارگران، مدیریت ناگزیر از عقب نشینی مجدد شد و سه تن از کارگران به سرکار خود بازگشتند. اما چهارمین کارگر اخراجی پلاتکلیف ماند. شخص اخراج



## از کارخانه‌ها، زندگی و رزم کارگران

### نشریه کارگری "خسته نباشید"

اخیرا دو شماره نشریه کارگری که با عنوان "خسته نباشید" در تهران پخش شده است، بدست ما رسید. موضوع نشریه شماره ۱ توضیحی است درباره لزوم متحد شدن کارگران برای دفاع از حقوق صنفی خویش و در نشریه شماره ۲ "نکاتی پیرامون اجرای طرح طبقه بندی مشاغل" مطرح شده است.

مطالب این دو نشریه که بزبان بسیار ساده و مستدل نوشته شده حاکی از اصالت کارگری آنها و آگاهی طبقاتی کسانی است که آنها را تهیه کرده‌اند. در نشریه شماره ۱ حکایت می‌شود که چگونه کارگری که مورد قانون شکنی و زورگوئی قرار گرفته بوده نخست به مدیریت کارخانه و سپس به وزارت کار مراجعه و در هر دو جا احساس می‌کند که منافع کارگران اصلا و ابدا مورد توجه نیست بلکه همه زیر پوش "شرع" قصد حمایت از منافع کارفرمایان را دارند. بطوریکه آن کارگر از مراجعه به دیگر ارگان‌های رژیم صرف‌نظر می‌کند و خطاب به پرادران هم زنجیر خود می‌گوید چرا ما خود از منافع خویش دفاع نکنیم؟ مگر در سال‌های آخر حکومت شاه نتوانستیم با تکیه بر وحدت کارگری اساس ستمشاهی را براندازیم؟

نتیجه منطقی که از این فراخوان گرفته می‌شود این است که کارگران می‌توانند و باید دست به دست هم بدهند و در برابر زورگوئی و سیاست ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی از منافع حقه و قانونی خود دفاع کنند. در نشریه شماره دو گفته می‌شود: یکی از مسائلی که مدت‌هاست ورد زبان تمامی کارگران گشته و به اشکال مختلف در میان ما مطرح گردیده، مسئله طبقه بندی مشاغل است.

چه در دوران قبل از انقلاب و چه در زمان حاضر یکی از مبرم ترین خواسته‌های کارگران اجرای این طرح بوده و هست. اما همیشه کسانی که پیاده شدن این طرح را مخالف منافع خود دیده‌اند با اجرای آن به طرق مختلف مخالفت کرده و می‌کنند.

سپس با اشاره به اینکه در حال حاضر از این طرح بصورت حربه‌ای برای خاموش کردن اعتراضات کارگری استفاده می‌شود و اینکه قبلا هیچگونه توضیحی در مورد طرح به کارگران داده نشده و مورد نظرخواهی قرار نگرفته‌اند چهار پیشنهاد مطرح گردیده است:

- ۱- برداشتن سقف از پیش تعیین شده و بدنهال آن قوانین دست و پاگیر مربوط به آن.
- ۲- تعیین کمیته‌ای فنی از میان کارگران هر قسمت برای تعیین ارزش مهارت و سوابق کاری افراد.
- ۳- انتخابی بودن افراد شرکت کننده در کمیته طبقه بندی مشاغل و گزارش منظم سیرامورد در این کمیته به کارگران و کارکنان کارخانه.
- ۴- ارائه طرح مشخص برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و وجود بازرسانی که بر کار کمیته نظارت دقیق داشته باشند تا از هرگونه اجحاف جلوگیری شود.

چون از مطالب این نشریه چنین برمی‌آید که وزارت کار عمدا توضیحات کافی در مورد مسئله طبقه بندی مشاغل و فواید آن به کارگران نمی‌دهد، "نامه مردم" بزودی این مسئله را مورد بررسی همه جانبه قرار خواهد داد تا مورد استفاده زحمتکشان ایران قرار گیرد.

کارگران مبارز! هوای دستیابی به خواسته‌های صنفی و سیاسی خود، متشکل و متحد شوید!

مرغ و یک گروه فبرنگی، پکارگران داده می شود و مدیریت کارخانه از پرداخت چیره نقدی نهار نیز خودداری می کند. سیاست ضد کارگری مدیریت خشم و اعتراض شدید کارگران را برانگیخته است. همچنین بر اساس خبر جدیدتر اخیراً تعدادی از کارگران "ایران پویا" به بهانه "غیبت غیر موجه" در سال های ۶۴ و ۶۵ و بهانه های مشابه اخراج شده اند.

## حرکت اعتراضی موفق در "نیتون الکتریک"

در "نیتون الکتریک"، واقع در جاده ساره، مدیریت قصد داشت ضمن برقراری ۸ ساعت کار (از ساعت ۶ صبح الی ۲ بعد از ظهر) نهار را از برنامه کارخانه حذف کند و پول آن را نیز نپردازد. این امر با مخالفت شدید کارگران روبرو شد و با یک حرکت اعتراضی جمعی مدیریت را وادار کردند روزانه ۲۰۰ ریال بابت چیره نهار بپردازد و ساعات کار را با ۷ ساعت، یعنی تا یک بعد از ظهر، تقلیل دهد. همچنین کارگران از پذیرفتن صبحانه سرد خودداری کردند.

کارگران کارخانه "چبال" ("جنرال صنعتی" سابق) پس از تصمیم مدیریت بر افزایش ساعات کار، حذف برنامه نهار و کار اچباری در روزهای پنجشنبه، دست به اعتراض جمعی زدند و مدیریت را وادار به عقب نشینی ساختند. تحت فشار کارگران افزایش ساعات کار لغو، پول نهار پرداخت و پنجشنبه ها تعطیل اعلام شد. طبق اطلاع موثق مدیریت تصمیم دارد که پیش از ۱۲۰۰ نفر از کارگران این واحد را اخراج کند. کارگران نیز تصمیم دارند که در برابر مدیریت مقاومت کنند.

## اخراجی های بلا تکلیف "تسلیمات"

- تسلیمات ارتش تعدادی از کارگران خود را - که از طرف کارخانه "ارچ" به آنجا فرستاده شده بودند - اخراج کرد. وقتی که کارگران اخراجی اعتراض کردند و خواهان حقوق مربوطه شدند، آنها را به کارخانه "ارچ" حواله دادند، کارگران به کارخانه "ارچ" مراجعه کردند. به آنها گفته شد که از لیست کارگران کارخانه حذف شده اند و این واحد هیچ مسئولیتی را در قبال آنها نمی پذیرد. کارگران اخراجی هنوز بلا تکلیف هستند.

## نیابردن رای "حد نصاب" و تعویق انتخابات

در کارخانه "هس" قزوین، تولید کننده نئوپان، هنگام انتخاب اعضای "شورای اسلامی کار" کاندیداهای مورد نظر "انجمن اسلامی رای نیابردند. بهمین دلیل اعلام شد که چون هیچکدام از کاندیداها رای حد نصاب نیابردند، انتخابات یک سال به تعویق می افتد. این واحد بدلیل نبود مواد اولیه از ۲۰ اسفند ۶۵ تا ۲۰ فروردین ۶۶ تعطیل شد و در این مدت هیچگونه مزایایی به کارگران تعلق نگرفت.

در کارخانه کمپرسور سازی قزوین، کاندیداهای مورد تأیید کارگران در امتحان آیدئولوژی رد شدند. در انتخاباتی که انجام شد، علیرغم آن که مسئولان مربوطه کارگران را یکی یکی به زور به پای صندوق رای می کشیدند، اما اغلب آرا یا "سفید" درآمد و یا روی آنها شعارهای ضد رژیم و ضد مسئولان کارخانه نوشته شده بود. بدینسان مقاومت کارگران سبب شد که کاندیداهای مورد نظر عوامل رژیم و "انجمن اسلامی" انتخاب نشوند و باز هم بدلیل آن که رای هیچکدام از کاندیداها به حد نصاب نرسید، انتخابات "باطل" اعلام شد. این کارخانه پانصد نفر کارگر دارد. در "ایران کف" رشت، مسئولان و "انجمن اسلامی" تعلیم به تشکیل "مجمع عمومی" و گرفتن "رای صلاحیت" برای کاندیداهایی که مورد تأیید کارگران نبودند گرفتند. از اداره کار رشت نیز نماینده ای برای نظارت حضور یافت. کارگران شرکت در "مجمع" را تحریم و اعلام کردند که کاندیداهای یاد شده را صالح نمی دانند. مجمع یک هفته به تعویق افتاد و علیرغم تهدیدها و تبلیغ ها این بار نیز تشکیل نشد. نوبت سوم با هردوز و کلکی که بود ۱۵۰ نفر از قریب هفتصد نفر از کارگران را وارد سالن گرد آوردند و "انتخابات" با حضور نماینده اداره کار انجام شد. چالب این که، با آن که اکثریت قریب به اتفاق کارگران شرکت کننده می گویند که

شده هرروز صبح، مطابق ساعت کار در مقابل کارخانه حاضر می شود و تا پایان سرویس کار آنجا می نشیند. مبارزه کارگران برای بازگرداندن همکار خود ادامه دارد

## درموسسه "کیهان"

پس از قطع حقوق ۸۰ نفر از کارکنان بازنشسته "کیهان" در سال ۶۵ و اعلام اینکه "هر پولی که گرفته اید غیر قانونی بوده و بعد از این حقوق دریافت نخواهید کرد"، کارکنان یاد شده که در اوائل انقلاب با ۲۰ الی ۲۵ سال سابقه کار بازنشست شده اند، ابتدا در مقابل موسسه "کیهان" اجتماع کردند و چون نتیجه ای نگرفتند به نخست وزیر مراجعه کردند. نخست وزیر طی نامه ای به "سازمان تأمین اجتماعی" دستور پرداخت حقوق آنان را داد. اما سازمان یاد شده زیر بار این دستور نرفت و وقتی که در مقابل فشار کارکنان یاد شده واقع شد تصمیم گرفت که ماهانه ۲۵۰۰ تومان پرداخت کند و ماهه تفاوت پولی را که از پدو بازنشستگی تاکنون به آنها پرداخت شده از همین محل پندریج کسر کند. کشمکش بین کارکنان بازنشسته و ارگان های مربوطه کماکان ادامه دارد.

در سال گذشته قسمت مهمی از مزایا و کمک های نقدی و جنسی کارگران چاپخانه "کیهان" قطع شد:

- هر ساله تعاونی چاپخانه با دریافت مقداری وام از موسسه، بخشی از اجناس مورد درخواست کارگران را تأمین می کرد و بصورت اقساط پهای آنها را دریافت می داشت. امسال بدلیل عدم پرداخت وام از طرف موسسه کارگران از دریافت اجناس مورد نظر خود محروم ماندند.

- هر ساله دودست گرمکن مرغوب به کارگران داده می شد، در سال ۶۵ فقط یکدست، آن هم از جنس نامرغوب، داده شد.

- بن کفش کارگران و کارمندان قطع گردید.

- هر ساله ۱۸۰۰ تومان بابت لباس می دادند، در سال ۶۵ یک قواره ارزان قیمت و یک قواره "چادری" دادند.

## اخراج کارگران چاپخانه ها

کبهد کاغذ و قطعات یدکی، سبب تعطیل و یا کم کاری بسیاری از مراکز چاپ و بیکاری گروه بزرگی از کارگران چاپخانه ها شده است.

در سال جاری از جمله چهار نفر از "چاپ قدس"، ۲۰ نفر از "چاپ کاوه ایران"، ۲ نفر از "چاپ باستان"، ۶ نفر از "خواندنی ها" و ۵ نفر از "بیکان" اخراج شده اند.

روند اخراج کارگران چاپ از سال پیش شدت گرفته است: "چاپ اندیشه" - در خیابان لاله زار - در مقابل پرداخت سالی یک ماه حقوق همه کارگانش را از کار بیکار کرد. ۸ نفر از کارگران چاپخانه "پیروز" اخراج شدند. این کارگران به وزارت کار شکایت کردند. نتیجه این شد: در حالی که کارفرما حاضر شده بود تا سالی دوماه حق باز خرید بپردازد، وزارت کار تنها با پرداخت سالی ۱۵ روز الی یک ماه موافقت کرد. همچنین چاپخانه "تکنیر" تصمیم به فروش ماشین آلات و اخراج همه کارگران خود گرفته است.

موج مقاومت در برابر کارفرمایانی که تصمیم به اخراج کارگران چاپ می گیرند روز به روز افزایش می یابد. تاکنون تعدادی از کارگران توانسته اند در اتحاد با یکدیگر کارفرمایان را وادار به عقب نشینی کنند. فی المثل وقتی که در چاپخانه "نا پیری" کارفرما تصمیم گرفت که یکی از کارگران را اخراج کند، با اعتراض جمعی کارگران روبرو شد. کارگران تهدید کردند که اعتصاب خواهند کرد و کارفرما ناچار شد حرف خود را پس بگیرد.

## قطع حیره نهار در "ایران پویا"

در کارخانه پروفیل و یخچال "ایران پویا" ("جنرال استیل" سابق) پنجشنبه های یک در میان روز کار اعلام و همچنین چیره نهار کارگران قطع شده است. در مدت کار روزانه، از ساعت ۵ و ۵ دقیقه صبح تا ۱۰ دقیقه بعد از ظهر، تنها در ۹ صبح یک صبحانه مختصر، مثلاً یک تکه نان و یک تخم

قرار گرفت. پس از تحولات اخیر، مدیریت جدید تصیم گرفته است که تعدادی از ۱۲۰۰ پرسنل واحد یاد شده را اخراج کند. کارگران تاکنون بصورت پراکنده به این تصیم اعتراض کرده اند و گفته اند در صورتی که مدیریت بخواهد به تصیم خود عمل کند واکنش نشان خواهند داد.

## طومار اعتراض با ۶۰۰ امضا

پس از اعلام اجباری بودن کار در روزهای پنجشنبه، از سوی مدیریت کارخانه "ریسندگی و بافندگی خاور" رشت کارگران به اعتراض جمعی پرداختند و طوماری با ۶۰۰ امضا تهیه کردند. در این طومار نسبت به کار اجباری در روزهای پنجشنبه و قطع غذای گرم، لباس کار، صابون و کفش کتانی اعتراض شده بود.

کارگران "ریسندگی و بافندگی خاور" بالغ بر هفتصد نفر می شوند. فیلا پنجاه نفر اخراج شده اند و ۵۰ نفر دیگر نیز در لیست اخراج قرار دارند. در این رابطه مدیر کارخانه به رئیس کارگری گفته است که هر وقت تعداد کارکنان به شصصد و پنجاه نفر رسید جشن می گیریم.

## مدیریت "صنایع چوبی" و ژاندارمها عقب نشستند

کارگران "صنایع چوبی ایران" - تهران، با مبارزه دسته جمعی و متحد خود توانستند شرکت اجباری در نماز جماعت را لغو کنند، حق بهره برداری تولیدشان را دریافت دارند و مدیریت را وادار سازند که مزد ساعات خوردن غذا را نیز بپردازد.

"صنایع چوبی ایران" بیش از هزار نفر پرسنل دارد و زیر پوشش بانک صنعت و معدن است. مدیر این کارخانه بدلیل اعتراض های مداوم کارگران تاکنون چند بار عوض شده است، آخرین مدیر کارخانه شخصی بنام "کمانگر" بود که کنار رفت و مدیر جدیدی در هیئت "حزب الهی" جای او را گرفت. مدیر جدید برای زهر چشم گرفتن از کارگران از همان روز اول "شورای اسلامی" کارخانه را تحت فشار قرارداد کارگران را وادار به شرکت در نماز جماعت کند (بین ۴۰ تا ۵۰ نفر در نماز شرکت می کنند). همچنین مدیریت جدید اعلام کرد که حق پرداخت بهره وری تولید و حقوق ساعات نهارخوری پرداخت نخواهد شد (قابل توجه است که این کارخانه در اثر طولانی شدن ساعات کار و فشار زیاد به کارگران تولید خود را به دو برابر رسانده است). کارگران این واحد که از تصیم های جدید به شدت خشمگین شده بودند، خشم و اعتراض خود را علنی ساختند. مدیریت برای ایجاد وحشت در کارگران از ژاندارمری کمک خواست و ژاندارم ها کارخانه را به محاصره درآوردند. کارگران که با این وضع روبرو شدند اعلام کردند که اگر مدیریت تصیم های خود را پس نگیرد اعتصاب می کنند و تولید را می خواهند. واکنش کارگران مدیریت را به قبول خواست آنان و ژاندارمری را به ترک پیرامون کارخانه واداشت.

## افزایش تفتیش و کنترل در غرب کشور

کلوگاههای تفتیش و کنترل امنیتی رژیم در منطقه غرب کشور روز بروز بیشتر گسترش می یابد. در تقاطع جاده های کنگاوند، نهاوند، صحنه - بیستون، کرمانشاه، سه راهی کرمانشاه به سنندج، پاره و اورامانات هر کدام یک کلوگاه، بین کامیاران و کرمانشاه ۸ کلوگاه - که بسیار مهم و استراتژیک است - بین جوانرود و کرمانشاه، ۲ کلوگاه بزرگ، بین کرمانشاه و اسلام آباد ۲ کلوگاه، بین اسلام آباد و کرند یک کلوگاه، بین کرند و زبراب ۲ کلوگاه و بین زبراب و دالاهو - که خیلی مهم و استراتژیک است - ۴ کلوگاه بزرگ وجود دارد.

## اهل حق مخالف رژیم ناهق

بین ایل های قلاخانی و سنجاپی که کرد هستند و به فرقه های "اهل حق" مشهورند گاهگاه برخوردهایی می شود، اما هر دو ایل نسبت به رژیم به شدت بدبین هستند. تا کنون اینجا و آنجا درگیریهایی بین افراد این دو ایل و عوامل رژیم رخ داده و چند نفر کشته شده اند. عوامل رژیم تلاش می ورزند تا با طرفند های گوناگون در این ایلهای نفوذ کنند، اما بویژه به این علت که به باورهای مذهبی این زحمتکشان - که اکثرا چادر نشین هستند - توهین شده روز بروز بر موج نفرت قلاخانی ها و سنجاپی ها نسبت به رژیم افزوده می شود. شجاعت پیروان "اهل حق" در ضدیت با رژیم، مورد تحسین مردم شهرهای غرب کشور است.



## پناهگاه یا پرتگاه؟

در منطقه کرد نشین شهر صحنه پیاده روها بصورت خندق کنده شده تا بجای پناهگاه مورد استفاده قرار گیرد. تا کنون چندین کودک در این "پناهگاه" ها افتاده و به شدت زخمی شده اند. این امر موجب درگیریهایی بین مردم و مسئولان دولتی، بویژه شهردار صحنه شده است.

رای سفید به صندوق ریخته اند، اسم نمایندگان از پیش تعیین شده با ۱۵۰ رای از صندوق خارج شد. باید یادآور شد که در "ایران کف" رشت، بعد از پیاده شدن طرح طبقه بندی مشاغل "۲۰ نفر از سرپرستان و سرکارگران اخراج و بجای آنها افراد "حزب الهی" بکار گمارده شدند. اخراج شدگان طی نامه دسته جمعی به اداره کار خواستار حق خود شده اند. اداره کار بطور شفاهی حق را به این افراد داده است ولی از صادر کردن رای کتبی خودداری می ورزد. در ضمن مواد اولیه این واحد تمام شده و قسمت هائی از آن خوابیده است. بگفته مدیر عامل برای تامین مواد به خارج سفارش داده شده، ولی عدم امنیت ترخیص کالا در بنادر جنوب موجب رکود در کار گشته است.

## خبرهای کوتاه از واحدهای کار

- ۱۹۰ نفر از کارگران "سپنتا" در تهران در لیست اخراج قرار گرفته اند.

- ۲۰ نفر از کارگران "لوازم خانگی پارس" قزوین شامل اخراج شده اند.

- کارخانه "البرز دارو" در قزوین در فروردین ماه امسال ۲۰ نفر از

کارگران پیمانی خود را اخراج کرد.

- به هشت تن کارگران برق کارخانه فرش "اکباتان" اخطار شده که سه

نفرشان بقید قرعه یا داوطلبانه به جبهه پروند. کارگران تصیم گرفته اند

که چنانچه فشار بیشتری متوجه آنها شود بطور دسته جمعی استعفا بدهند.

- هنگام استخدام کارگران در شرکت "آپگینه" قزوین برای راه انداختن

یک کوره جدید تولید شیشه های رنگی، صالحی، عضو قبلی حزب "رستاخیز"

و مدیر کنونی کارخانه، از متقاضیان آزمایش "ایدئولوژیک" می کرد.

- کارگران قوه پارس "ری. او. واک" - قریب ۲۰۰ نفر - مدت یکسال

است که از گرفتن لباس کار محروم مانده اند و از شش ماه پیش سهمیه

صابون و پودرهای پاک کننده آنها قطع شده است. این مسئله سبب

اعتراض آنها شده است.

- در برخی از تعاونی های مصرف کارگران اجناس مورد نیاز کارگران

به قیمت "آزاد" فروخته می شود. مثلا در تعاونی مصرف کارخانه "لامپ

ایران" گوشت با چربی و استخوان به قیمت کیلوئی ۱۴۵ تومان عرضه شد.

کارگران بطور دسته جمعی اعتراض کردند و از خرید آن امتناع ورزیدند.

- پس از زخمی شدن یکی از کارگران کارخانه "شیمی ایران" در جبهه،

کارگران و مدیریت این کارخانه که تحت نظارت "کمیته امداد امام"

است در تبادل نظر با یکدیگر تصیم گرفتند که رفتن به جبهه را

تحریم کنند. قضیه به اطلاع مسئولان مربوطه رسید و "اقدامات" لازم جهت

"تنبیه" مدیریت بعمل آمد.

- بنیاد مستضعفان سهام شرکت بایر آلمان در کارخانه الیاف را خریداری

کرد و بدینسان این واحد کاملا در اختیار سازمان گسترش صنایع و بنیاد

## جعبه

\* \* \* \* \*

اسلام گرامی می‌دهد که اسلام هم جهات معنوی دارد و هم جهت مادی ... و بسیاری از احکامات سیاسی است" (سخنرانی در نجف، ۶ مهر ۵۶). و یادار پناخ مخبر لوموند که آباژمین‌های تقسیم شده در زمان شاه به مالکین سابق باز گردانده خواهد شد؟ می‌گفت: "... مطمئناً خیر. اگر مابه قدرت برسیم ثروت‌های نامشروع آنها (مالکین) را مصادره خواهیم کرد و عادلانه در بین مستضعفین توزیع خواهیم نمود" (پیام‌ها و سخنرانیهای امام خمینی از ۱۳۲۲ تا هجرت به پاریس، ص ۲۸۷).

در زمینه "آزادیهای اجتماعی، مطهری نزدیکترین بار" فقیه ولی" می‌نوشت: "... من اعلام می‌کنم که در رژیم جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد و از باصطلاح کانالیزه کردن اندیشه‌ها محدود و اثری نخواهد بود. همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه و تفکرات اصلیشرا عرضه کنند. عرضه اندیشه اصل آزاد است. من به همه دوستان غیر مسلمان اعلام می‌کنم، از نظر اسلام تفکر آزاد است شما هر جور که می‌خواهید بیندیشید، بیندیشید. هر طور که می‌خواهید بنویسید، بنویسید. هیچکس ممانعتی نخواهد کرد" (کتاب پیرامون انقلاب اسلامی، به نقل از مقاله آقای حجتی کرمانی، کیهان، ۶ شهریور ۶۵).

ولی تجربه بیش از هشت سال حکومت "ولی فقیه" و همکاران روحانیست همه ادعاها را به محک زد و نشان داد که رژیم قادر به جامه عمل پوشاندن به ادعاهای خود نیست. در این سالها نه تنها از "آزادی، استقلال و ترقی و رفاه" خبری نشد، بلکه آنچه را هم که در نخستین روزهای انقلاب، زیر فشار توده‌های دست از جان شسته حاضر در صحنه بدست آمده بود باستاند همان "قوانین مترقی و متکامل" بتدریج پس گرفتند، تاجاییکه امروز وضع زحمتکشان کشورمان از دوران پیش از انقلاب به مراتب اسفناکتر است.

هنوز سه سال از تسلط حکومت فقها نگذشته بود که رژیم‌ها و گله‌گذاری‌ها درباره "نارسانیهای مستخرجات این "جعبه" جادو" در بین دولتمردان منصوب "ولی فقیه" شروع شد. بانکی، وزیر وقت برنامه در تاریخ ۶/۱۱/۶۰ ضمن برشمردن مشکلات یافتن یک مدل اقتصادی گفت دولت در پی "یافتن مدلهای اقتصادی متناسب با جامعه" است ولی چهار سال بعد بهزاد نبوی، وزیر دیگر "دولت خدمتگزار"، اعتراف کرد که: "انتخاب‌الگوی رشد و توسعه در شرایط کنونی خیلی مشکل است ... من اعتراف می‌کنم که شاید هنوز نتوانسته‌ام به یک نقطه نظر قطعی برسم" (کیهان ۲۴ اردیبهشت ۶۵). او عدم کارآئی "جعبه" جادو" را به این صورت نشان داد: "... کشور ما مشغول حاکم کردن نظامی است که در ۱۴۰۰ سال گذشته حاکمیت نداشته است. بنابراین حکومت مشابهی در دنیا وجود ندارد که ما بتوانیم پیامان را جای پای آنها بگذاریم".

در حالیکه عوامل اجرائی حاکمیت صرفنظر از تعلقات طبقاتی و فکریشان در برخورد با مسائل عینی جامعه از عدم کارآئی "فقه‌سنی" و "نارسانیه قوانین آن در رفع مشکلات اقتصادی کشور، حتی در چارچوب حاکمیت سرمایه‌داری ارتجاعی موجود صحبت می‌کنند، متولیان "جعبه" جادو" هنوز بر

کارآئی و جهانشمول بودن این قوانین پامی فشارند و بانکیه بر همین اصول از خواستها و منافع هارترین و عقب مانده ترین لایه‌های سرمایه‌داری - که حتی در قرون ۱۸ و ۱۹ اروپا نیز کم سابقه بوده است - دفاع می‌کنند.

در چند سال اخیر، پس از یورش به حزب طبقه\* کارگر و سایر نیروهای انقلابی، کارتوازه به حقوق زحمتکشان تاجائی پیش رفت که هر قانونی که کوچکترین محدودیتی در غارت بی‌بند و بار "سرمایه داران محترم" و "بازاریان عزیز" و بزرگ مالکان شهری و روستائی ایجاد کرد با شمشیر "مغایرت با اسلام" مثله شد. از همین روست که پس از هشت سال سلطه "فقیه ولی" هنوز یک قانون مهم در رابطه با مسائل گرمی اقتصادی با اجتماعی نتوانسته است از سد متولیان "جعبه" جادو" بگذرد.

از سوی دیگر، فشار طاقت فرسای جنگ تحمیلی و بحران اقتصادی که بنا بگفته خود مسئولان بیش از ۵ میلیون نفر از نیروی کار را به بیکاری کشانده است و قطع امید توده مردم از آینده، زحمتکشان کشورمان را روز بروز از حاکمیت بیشتر جدا می‌کند. مسئولان اجرائی حکومت که در عمل، جدائی روز افزون مردم از رژیم را بخوبی احساس می‌کنند برای حفظ قدرت حاکم می‌کوشند تا شاید این "جعبه" جادو" و متولیان راه معجزه‌ای وادارند. و موقتاً کمی از فشار طاقت فرسائی که بر دوش مردم سنگینی می‌کند، بکاهند. رشیدیان، نماینده "آبادان، در جلسه ۱۰ خرداد مجلس می‌گوید: "... مساله جنگ با بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط نزدیک دارد. امروز صد در صد کسانیکه در جبهه‌ها حضور دارند و شب و روز عاشقانه می‌جنگند از اقشار محروم و مستضعف جامعه هستند. فرزندان کارگر و کشاورز و کارمند و کسبه جز هستند. وقتی که پدیده‌ترین و اساسی‌ترین مسائل این ملت را، حتی بخشی از آنها حل کنیم دلگرمی آنها بیشتر می‌شود و توان ماندن و حضور در جبهه را بیشتر خواهند داشت ... این مسئله جای گله دارد، چرا که آنچه را که مجلس اول به مستضعفان داده بود بخش اعظم آن را مجلس دوم گرفت ... مساله زمین کشاورزی مسلماً پیوسته به جبهه و جنگ است زیرا جنگ را مستضعفان، کشاورزان و کارگران اداره می‌کنند" (کیهان، ۱۰ خرداد ۶۶).

ولی متولیان "جعبه" جادو" با رد قوانین نیم‌بند اراضی شهری و شرکت‌های تعاونی، حتی فریاد منتظری، قائم مقام "ولایت فقیه"، را رد آوردند که: "... شورای نگهبان باید دلایل رد لوایح را به اطلاع مردم برساند". رئیس مجلس نیز ملتسانه در حضور خمینی نگرانی خود را از اقدامات شورای نگهبان و عدم کارآئی این "جعبه" جادو" چنین نشان داد: "یکی از مشکلات موجود در مجلس که من با همه وجود احساس می‌کنم این است که در قانون گذاری و تدوین قوانین اساسی و بنیادی کشور که مورد توقع مردم و هم مسئولان است ... بطور در بسته لازم است که در محضر جنابعالی در این جلسه اظهار بکنم ... فکری که در دوران ۱۴۰۰ ساله در میان ملت‌ها به عنوان نظام حاکم مهجور بوده می‌خواهد وارد زندگی انسانها در همه ابعاد بشود ... در شرایطی که داریم، غیر از شخص جنابعالی هیچکس در زیر سقف این آسمان وجود ندارد که

بتواند مسائل را حل کند و امروز اگر جنابعالی به داد این مقطع تاریخ انقلاب نرسید و مشکلات قانون گذاری را صریح و روشن آن جوری که تشخیص خودتان هست حل نفرمائید، نمی‌دانم در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام دهد" (کیهان ۱۲ خرداد ۶۶).

ولی پاسخ خمینی باو فهماند که "فقیه ولی" که مشروعیت قدرت بی حد و مرز خود را بر اساس همین "جعبه" جادو" بدست آورده است به هیچ عنوان حاضر نیست از عدم کارآئی آثار بر ملا سازد. چه این بمثابه خودکشی اوست. رقبا همچون کرگان گرسنه با چشمان خیره بر او می‌نگرند تا با کوچکترین اشتباهی او را از سر راه خود بروبند و او هم که کمتر از دیگر رقبا زرنگ نیست به هیچ عنوان شیشه حیات سیاسی و مذهبی خود را به سنگ بی اعتباری نخواهد کوفت.

رفسنجانی نومیدانه، مردم را به "دهسال آینده" و "پیدایش مجتهدینی که در برخورد با واقعیت‌های زندگی و اجرای احکام اسلامی در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی افکارشان با تفکرات مجتهدین امروز متفاوت باشد" امید می‌دهد. تا شاید آن فقهای "جامع تر از امروز" بتوانند بر مبنای صحیح حرکت کنند ... (کیهان ۱۶/۲/۶۶). ولی دیگر برای صبر مردم جائی باقی نمانده است.

مردم محروم کشورمان که نتایج هشت سال حکومت روحانیت و پیاده شدن قوانین فقهی را در پیش رو دارند بخوبی دریافته اند که از این "جعبه" جادو" و متولیانش جز ناپودی همه آرزوهایشان برای زندگی بهتر، بدست هارترین نمایندگان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان چیز دیگری نصیبشان نشده است. مردم منظره "۱۲ میلیون نفر زیر حد گرسنگی و ۲۲ میلیون نفر در مرز آن در مقابل یک میلیون و سیصد هزار غارتگر غرق در ثروت" (لوموند ۱۸ ژوئن ۸۷) را که ثروتمندان از مرز هزار و دویست میلیارد تومان گلشته است و نیز حکومت خشن و بی‌رحمی را که جز زبان گلوله و زندان و شکنجه و قانون قصاص و تعزیر نمی‌شناسد، یعنی نتایج آن "قوانین مترقی و متکامل" را، که روزی وعده خروجشان از این "جعبه" جادو" داده می‌شد، برای العین می‌بینند.

طبقه\* کارگر و دیگر زحمتکشان ایران در می‌یابند که هر گونه دعوت به صبر یا وعد و وعید جدید نتیجه‌ای به نفع آنها در پی ندارد و جامعه دچار بحرانی است که تنها با سرنوشتی رژیم "ولایت فقیه" زمینه‌های حل آن فراهم خواهد شد.

پیکار مستمر در راه وحدت عمل

کلیه مبارزان راه استقلال، آزادی

و عدالت اجتماعی

یک وظیفه انقلابی است!

## در کردستان ترکیه

استانهای جنوب و جنوب شرقی ترکیه صحنه زد و خوردهای خونین شده است. از تابستان سال ۱۳۶۲ تاکنون رزمندگان کرد عملیات مسلحانه خود را گسترش داده اند و در رزم خود از پشتیبانی اهالی نیز برخوردارند.

حکومت ترکیه که هویت ملی خلق کرد را نفی می کند، مدعی است که گویا "تروریستها" از کشورهای همسایه به ترکیه نفوذ می کنند و در "توطئه علیه تمامیت ارضی جمهوری ترکیه" شرکت می جویند. طبق ارقام منتشر شده در روزنامه های ترکیه، در جریان این زد و خوردها تاکنون ۴۶۷ تن کشته شده اند.

علیرغم اطمینان خاطر دادن های مکرر حکومت که "بزودی کار تروریستها را یکسره خواهد کرد"، روز بروز بر دامنه زد و خوردها افزوده می شود.

مناطق جنوب و جنوب شرقی ترکیه از نظر اقتصادی و مناسبات اجتماعی عقب مانده ترین مناطق این کشور به حساب می آیند. در این نقاط بزرگ زمین داری حاکم است و مردم زیر بهره کشی شدید ملاکان قرار دارند. اهالی این مناطق که سرنوشتشان بدست فراموشی سپرده شده، اغلب توانائی خواندن و نوشتن ندارند و عملاً از هر حقوقی محروم هستند.

حوادث غم انگیزی که در مناطق کردنشین ترکیه می گذرد واکنش های شدیدی را در محافل سیاسی و اجتماعی کشور و نیز در صفحات روزنامه ها برانگیخته است. اینونو، رهبر بزرگترین حزب ایوزسیون ترکیه ضمن محکوم کردن این کشتارها از نخست وزیر خواسته است بعلت ناتوانیش در تامین امنیت کشور استعفا دهد.

## قطعنامه جشن "وارهایت" علیه جنگ و اختناق

شرکت کنندگان در جشن روزنامه "وارهایت" (حقیقت)، که از سوی حزب سوسیالیست متحده برلن غربی منتشر می شود، با امضای قطعنامه ای خواستار پایان دادن فوری به جنگ ایران و عراق شدند.

در این قطعنامه که نمایندگان ۳۳ حزب کمونیست، اتحادیه، روزنامه های مترقی از جمله "پراودا" و دیگر سازمان های انقلابی آن را امضاء کرده اند، آمده است:

"ما خواستار پایان فوری جنگ ایران و عراق و احترام به حقوق و آزادی های دموکراتیک و نیز حقوق بشر در هر دو کشور هستیم. ما حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس را پشتد محکوم می کنیم."



ما خواهان قطع ارسال اسلحه به ایران و عراق و نیز آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی دو کشور هستیم."

## جانبازان در راه خلق

رفیق مسعود انصاری، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان "پیروان" بیانیه ۱۶ آذر "که از پائیز ۶۳ توسط رژیم ضد خلقی به بند کشیده شده بود، در اردیبهشت امسال به جوخه اعدام سپرده شد. وی تا هنگامیکه اعدام شد تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روانی بود.

رفقا فیهرو و فخریاسری، اکبر نعمتی عرب، خیراله کریمی و سیدعباس تنکابنی قزوینی تبار، از اعضا "راه کارگر" توسط رژیم دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند.

"پولتن خیری کردستان ایران" خبر می دهد که رفقا "کاک صالح امینی" و "محمدپور رجائی" در سندانج اعدام شده اند.

همچنین نشریه مربوط به سازمان مجاهدین خلق می نویسد که گروهی از مجاهدین به جوخه های تیرپاران سپرده شده اند.

خاطره پرشکوه مبارزه این فرزندان خلق را گرامی می داریم و از همه نیروهای مترقی و انقلابی می طلبیم که برای نجات جان زندانیان سیاسی به مبارزه مشترک بپردازند.

**کمک مالی به حزب توده ایران  
یک وظیفه انقلابی است**

**کمک های مالی رسیده:**

کمک به خانواده های زندانیان سیاسی از کار انجمنی در جشن روزنامه "وارهایت" توسط رفقای برلین غربی ۲۰۰۰ مارک

**NAMEH  
MARDOM**  
NO: 164

آدرس پستی:

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

21, July, 1987

## پشتیبانی از زندانیان سیاسی \*\*\*

پرستان در بند ایرانی را که بخاطر عقاید انسان دوستانه و دفاع از آزادی و استقلال میهن شان به زندان افتاده اند شدیداً محکوم می کنیم و خواستار آزادی هر چه سریعتر همه زندانیان سیاسی ایران هستیم.

این قطعنامه را نمایندگان احزاب برادر شرح زیر امضاء کرده اند:

- حزب کمونیست آمریکا
- حزب کمونیست سربلانکا
- حزب متحده سوسیالیست ژلاندنو
- حزب سوسیالیست استرالیا
- حزب کمونیست بنگلادش
- حزب کمونیست هندوستان
- حزب کمونیست فیلیپین
- حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
- حزب کمونیست کانادا
- حزب کمونیست اندونزی
- انجمن اتحادیه کمونیست های استرالیا
- حزب کمونیست نپال
- حزب کمونیست پاکستان
- حزب دموکراتیک خلق افغانستان

به برنامه های

رادپوی زحمتکشان ایران

کوشش فرادهد!

رادپوی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ بمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف های ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنامه پخش می کنند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می شود.

برای رادپوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

## انتشارات تازه حزب توده ایران

\* پیرامون مصوبات کنفرانس ملی حزب توده ایران

\* پیرامون برخی مسائل اجتماعی - اقتصادی سیاسی ایران در مرحله کنونی

\* پیرامون دگرگون سازی سیاست کادر گزینی حزب ( گزارش رفیق گارهاچف به پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷ )

\* مسائل بین الملل شماره ۲

\* تئوری های گمراهی، گمراهی های تئوریک

\* ما و وزدگان سیاسی

\* باز هم مفتربان

**جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است**